

مهدی پورصفا
تجلیل

«اختلال استرسی» پس از حادثه‌ای عبارتی متداول در بین روانشناسان و متخصصانی است که روی افراد حادثه‌دیده کار می‌کنند. این اختلال سراغ کسانی می‌آید که با یک حادثه سنگین روبه‌رو شده و دچار عوارضی همچون تکرار ذهنی حادثه یا مسائلی مانند بی‌خوابی می‌شوند. چنین اختلالی می‌تواند شخص را در بازگشت به زندگی عادی دچار مشکل کرده و حتی روند بهبود جسمی وی را هم به تأخیر اندازد. در این میان اگر جامعه را در یک نگاه کلی به عنوان یک شخص در نظر بگیریم، برخی شوک‌های ناگهانی و صدمات وسیع مالی و جانی نیز می‌تواند تأثیری مشابه استرس پس از حادثه داشته باشد؛ عوارضی که شاید باز هم ز زمینه‌ساز حوادث مشابهی در یک جنگ خیابانی در برخی مناطق حومه‌ای به یک شوک امنیتی منجر شد.

بدون شک با بررسی عملکرد دولت می‌توان به این نتیجه رسید که قوه مجریه قصد داشته است با مواجه کردن جامعه با یک کار انجام شده از برخی مشکلات ناشی از اجرای طرح هدفمندی و افزایش قیمت بنزین جلوگیری کند، به عنوان مثال در تابستان سال گذشته بنا به گفته صریح وزیر کشور دولت قصد افزایش قیمت بنزین را داشته اما به دلیل لو رفتن این خبر در رسانه‌های اجتماعی و به وجود آمدن صف گسترده در مقابل پمپ‌های بنزین از انجام آن منصرف شده است. در سال ۸۶ نیز چنین اقدامی از سوی دولت نهم در سهمیه‌بندی بنزین انجام شد اما به دلیل شرایط اجتماعی و امنیتی متفاوت و تفاوت‌های جدی در شیوه اجرا به شیوه متفاوتی انجامید. **۵ دکترین شوک چه می‌کند**

استفاده از د کترین شوک نیز سابقه طولانی برای انجام اصلاحات اقتصادی گسترده و طولانی در دنیا دارد که اغلب به تغییرات وسیع اجتماعی و حتی سیاسی انجامیده است. «دکترین خاتم ناومی کلاین نویسنده کتاب «دکترین شوک ظهور سرمایهداری فاجعه» با اشاره به موارد استفاده از این روش سوءاستفاده گروپوریشن‌ها (ابرشرکت‌های چندملیتی) در استفاده از حوداتی چون جنگ، حمله‌های تروریستی، کودتا و حوادث طبیعی را شوک اول می‌نامند. در مرحله دوم، بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ با استفاده از قدرت سیاسی و سیاستمداران وابسته به خود،

گزارش

انتقادات از نحوه تصمیم‌گیری و اجرایی شدن طرح سهمیه‌بندی بنزین، توسط دولت تدبیر و امید شکل گسترده‌تر و فزاینده‌تری به خود گرفته است و اگر چه برخی از آن‌رسمایه‌داران وابسته به یک نحله فکری خاص به شکلی تصمیمانه از صفر تا صد این طرح حمایت می‌کنند اما از میان حامیان دولت هستند افراد و رسانه‌هایی که پرده تعصب را کنار زده و به عملکرد دولت در این بخش انتقاداتی جدی مطرح می‌کنند. از جمله این افراد می‌توان به محمدعلی ابطحی معاون پارلمانی دولت اصلاحات یا غلامحسین کرباسچی دبیر کل حزب سزاندگی اشاره کرد که نوع تصمیم‌گیری دولت و اجرای سهمیه‌بندی بنزین توسط دولت را با اقدامی نابجا و هزینه‌زا معرفی کرده‌واز اتخاذ چنین رویکردی احساس تأسف کرده‌اند. اساسا جمع کثیری از مدعیان اصلاح‌طلبی طی ماه‌های اخیر و به ویژه روزهای پس‌اسهمیه‌بندی بنزین ضمن انتقاد از اقدامات دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی و معیشتی این تلقی را در مردم به‌وجود آوردند که «اصلاح‌طلبان» منتقد دولت و مطالبه‌گر منافع مردم هستند، در حالی که فاصله‌گذاری در هدفمند این جماعت با دولت آن هم بعد از شش سال که مشارکت و معاونت رهبران و عناصر این طیف در پیروزی شخص رئیس‌جمهور و تمام تصمیمات اتخاذ شده توسط دولت مشهود و قطعی است قطعاً نمی‌تواند به اقبال عمومی در انتخابات امسال و سال ۱۴۰۰ بینجامد.

اما جالب این است در شرایطی که بسپاری از شخصیت‌های برجسته این طیف ساز جدایی از دولت کوک کرده و آخرین اقدام بحث‌برانگیز دولت در سهمیه‌بندی قابل تامل بنزین را نقد و آن را هزینه‌زا معرفی می‌کنند، رئیس دولت اصلاحات همچنان بر رویه سابق خود که همان «اتهام‌زنی‌های سیاسی-اقتصادی علیه حاکمیت است» پافشاری می‌کند و به جای انتقاد از اقدامات دولت، به صورت خاص انگشت اتهام را به سمت حاکمیت نشانه می‌ود.

۵ از تعصب خاتمی تا ابراز برات ساینز از روحانی

بدون تردید امروز خاتمی یکی از افرادی است که باید به مردم به دلیل شکل‌گیری دولت و مجلس کنونی پاس‌خگو باشد و با تشریح نسبت خود با نمایندگان لیست امید در مجلس و هیئت وزیران دولت‌های یازدهم و دوازدهم، مسئولیت ناشی از اقدامات ضدمنافع ملی را که طی شش سال اخیر صورت گرفته است با شهادت بپذیرد. همانطور که اشاره شد، برخلاف رئیس دولت اصلاحات، دیگر چه ره‌های جریان مدعی اصلاح‌طلبی در حداقل حاضر به انتقاد از دولت شده‌اند به عنوان نمونه محمدعلی ابطحی مطلبی در فضای مجازی به انتقاد از موضع‌گیری اخیر رئیس‌جمهور مبتنی بر اعلام بی‌اطلاعی او از

پایگاه

سرویس سیاسی۸۸۴۹۸۴۳۶

مسئله «اختلال استرسی» پس از شوک بنزینی دولت



علیرضا وهاب زاده | مهر

توانست در برطرف‌شدن این حالت مؤثر باشد و به حضور گسترده مردم از جمله راهپیمایی گسترده هفته پیش مردم تهران بینجامد، اما جز تغییرات رادیکال اقتصادی و سیاسی نیست به وجود می‌آورد. در این میان افرادی که با موج دوم شوک، به مقابله برمی‌خیزند با شوک سومی که شامل پلیس، ارتش، زندان و بازجویی است روبه‌رو و سرکوب می‌شوند.

در ایران نیز اگرچه چنین الگویی مدنظر نبوده و دولت تنها به دنبال استفاده از سردرگمی اولیه مردم برای تنظیم و تنسیق امور بود، اما بلافاصله پس از شوک اولیه شبکه‌های معاند و منافقین بلافاصله وارد میدان شده و بر برخی هسته‌های اعتراضی مردم در شهرهای کوچک سوار شدند که منجر به صدمات فراوان مالی و جانی شد. در این میان شدت بالای خشونت در کف خیابان‌ها و تخریب‌های گسترده سبب شد تا نهادهای امنیتی و انتظامی نیز برای کنترل اوضاع وارد میدان شوند. مسلح بودن برخی افراد حاضر در میانه میدان سبب شد تا تعداد تلفات بالاتر از انتظار رفته و بر شوک حاصل از این اتفاق افزوده شود.

اگرچه در این میان ورود قدرتمند اورتیه نظام در قالب حمایت شخص رهبری از این تصمیم



مرجع و اصلی است. متأسفانه رسانه‌های کشور نیز در جریان سهمیه‌بندی بنزین و اتفاقات پس از آن خود دچار شوک و اختلال پس از حادثه هستند. نمونه کامل این مسئله را می‌توان در صدا و سیما ملاحظه کرد.

انفعالی بودن صدا و سیما نسبت به حوادث پس از سهمیه‌بندی بنزین و تکرار الگوی مشابه در حوادث گذشته به گونه‌ای مشهود است که حتی صدای برخی از حامیان فعال رسانه ملی نیز درآمده است. شاید اگر رسانه ملی واکنش هوشمندانه‌تری نسبت به این اتفاق داشت، جامعه با شوک فعلی مواجه نمی‌شد.

مهم‌ترین وظیفه رسانه‌های کشور در شرایط فعلی خارج کردن ماجرا از فاز امنیتی و ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی آزاد و حتی انتقادی است. این فضای باز می‌تواند نقش یک جلسه درمانگری روانی ملی را بازی کرده و از فشار روانی بر گروه‌های مختلف اجتماعی بکاهد. متأسفانه با وجود گذشت یک هفته از این ماجرا قدمی برای این کار برداشته نشده است. در این میان وظیفه نهادهایی همچون وزارت ارشاد اسلامی به عنوان متولی اصلی رسانه‌ای در کشور باید این باشد که یک بسته سیاستی خاص ایجاد و با مشارکت رسانه‌ها به بازگشت آرامش روانی مردم کمک کند.

۵ امید، امید و قطع امید

آخرین و مهم‌ترین نکته‌ای که در این میان قابل ذکر است، نقش بازگرداندن امید به سطح جامعه است. می‌توان تا ابد شرایط را در فضای امنیتی محبوس کرد اما واقعیت این است که کشور و نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مردم‌سالار به حضور مردم در عرصه‌های مختلف نیاز دارد، البته بازگشت‌امید به جامعه واژه‌ای کلی است که مصادیق فراوانی را می‌توان برای آن ذکر کرد، از یک اتفاق جدی همچون صعود تیم ملی ایران به جام جهانی تا هر رویداد دیگری که مردم را به یک اتفاق جدی در اداره کشور امیدوار کند. نقطه آغاز برای چنین رویکردی نیز نیاز داشتن مشکل و برنامه‌ریزی برای چنین امری است. بدین‌که امید برای رسیدن به هر هدفی ضروری است و تحولات پیش‌رو نیز نشان از در پیش بودن رویدادهای سنگین دیگری است.

۵ رسانه‌های شوک‌زده به خود بیندند

یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع در هر جامعه‌ای رسانه‌ها هستند، البته به رغم اینکه رسانه‌های کشور و نفوذ آنها تا حدود زیادی توسط شبکه‌های اجتماعی به چالش کشیده شده است، اما نمی‌توان این نکته را انکار کرد که هنوز وظیفه تولید محتوا حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز تا حدود زیادی بر عهده رسانه‌های

درباره سهمیه‌بندی بنزین گفته بود: «من هم مانند شما روز جمعه فهمیدم که بنزین سهمیه‌بندی شده است.»
سخنان در شأن رئیس‌جمهور نبود

انتقاد به شیوه اجرای طرح افزایش قیمت بنزین فقط به حامیان دولت محدود نشد و برخی نمایندگان منتقد دولت نیز به این روش ایراد گرفتند.حمیدرضا حاجی بابایی نماینده مردم همدان در مجلس نیز با اشاره به اظهارنظر رئیس‌جمهور درباره بی‌اطلاعی از زمان اجرای طرح سهمیه‌بندی بنزین گفت: این سخن اخیر رئیس‌جمهور انصافاً در شأن رئیس‌جمهور ایران و ملت بزرگ ایران نبود. این روزها مردم نگاهشان به استدلال، توجیه منطقی و عقلانی این اقدام (اجرای طرح افزایش قیمت بنزین) از طرف دولتمردان بود.

وی افزود: ای کاش آقای رئیس‌جمهور در این رابطه اصلاً صحبت نمی‌کرد چراکه صحبت‌های چند روز اخیر، خرد و نقیض است؛ با بیان صحبت‌هایی که در دولت انجام شده و سخنانی که رئیس‌جمهور می‌گوید همه اینها نشان می‌دهد که حرفی برای زدن ندارند.

همچنین سیدامیر حسین قاضی‌زاده عضو هیئت رئیسه مجلس نیز باانتقاد از عملکرد مجلس در مواجهه با تصمیمات این دولت گفت: مجلس به وظیفه خود در هدایت و برخورد با دولت عمل نکرد و در مقابل وزرای ناکارآمد نایب‌دستا و به آنها رأی اعتماد داد و به راحتی از کنار سوءتدبیر وزرا گذشت. دولت هم پر از افراد پیر و خسته و بیمار بود که به لحاظ جسمی توانایی اداره کشور را نداشتند. آقای روحانی نیز هیچ تصمیمی برای ترمیم کابینه نگرفت و این دو امر دو لبه قیچی بود که زمینه‌ساز ناآرامی‌های مدنی و تبدیل ناآرامی‌های مدنی به اغتشاش میدانی شد.

۵ یاس حامیان مذاکره

آنچه بر اساس مواضع حامیان دولت می‌توان در ک کرد آن است که رهبران و تنوریسین‌های این طیف مهم‌ترین ضربات تصمیمات آنی و عجلانه دولت طی شش سال اخیر و به ویژه بحث سهمیه‌بندی بنزین را به تئوری «سزاش» می‌دانند و معتقدند اقدامات دولت نه تنها مسیر مذاکرات مجدد با غرب را هموار نمی‌کند بلکه افکار عمومی را به این باور می‌رساند که انعقاد توافق در حوزه‌های مورد مناقشه با غرب نه تنها مشکلات اقتصادی کشور را کاهش نمی‌دهد بلکه می‌تواند بستری برای رشد تصاعدی آنها نیز به وجود آورد و شکل‌گیری این باور به معنای سقوط همیشگی تئوری مذاکره با غرب به هر قیمتی است. احساس اینکه مردم اساساً به نسخه‌های پیشنهادی شش سال اخیر مبتنی بر اینکه مذاکره با غرب کاهش دهنده مشکلات اقتصادی است بدبین شده‌ان را می‌توان به معنای پایان یافتن تفکر غرب‌زدگی در کشور تلقی کرد و چنین تصویری برای جماعت غرب‌زده زجرآور است.

دنیای مجازی

۵ پدیده آبان ماه، آشوب

عطاءالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دولت اصلاحات در کانال تلگرامی خود در متنی تفصیلی به آشوب‌های اخیر در ایران پرداخته و نوشته است:

آشوب را می‌توان در لایه‌های مختلف شناسایی کرد. هویت هر یک از این لایه‌ها با یکدیگر متفاوت است.

یکم: فرض کنید مسابقه فوتبالی بر گزار می‌شود. یک تیم مشهور و محبوب می‌بازد، طرفداران احساس می‌کنند که حق تیمشان خورده شده است. داور، عادلانه داوری نکرده… در پایان مسابقه آشوب می‌کنند و … این پدیده یک آشوب بدون برنامه‌ریزی است. اگر فرضاً نتیجه مسابقه مساوی می‌شد یا تیم مورد نظر برنده، این اتفاق و آشوب رخ نمی‌داد.

دوم: ممکن است یک گروه سیاسی برای دست یافتن به اهداف خود دست به آشوب بزند. از زمینه نا رضایتی اجتماعی مثل گرانی استفاده کند اما در پس اقدام به آشوب، یک برنامه منطقه‌ای یا جهانی وجود ندارد.

سوم: آشوب سازماندهی شده، در جهت تغییر یک نظام و با هدف براندازی است. تصمیم‌گیری برای آشوب در اتاق‌های فکر امنیتی، سیاسی و نظامی طراحی می‌شود. برنامه چند روزه نیست. ممکن است طراحی چند ساله باشد.

ادعای من در این نوشته، این است که آشوب آبان ماه از نوع سوم بود. دست‌کم یک بازیگر جهانی– امریکا– و یک بازیگر منطقه‌ای رقیب– عربستان سعودی– در این پدیده نقش داشته‌اند و خواهند داشت. قرائن مختلفی را می‌توان برای این مدعا برشمرد:

۱– ترامپ و وزیر خارهاش که سابقاً رئیس سازمان سیا بود و به صراحت گفته است که از دروغ هیچ گاه پرهیز نمی‌کرده است، در این آشوب حضور داشتند، البته جان بولتون که قرار بود طبق وعده‌اش همراه با سازمان مجاهدین خلق، در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ در تهران باشد، عزل شد و کاخ سفید طرفدار آزادی اطلاعات و منتقد بسته شدن اینترنت یک هفته‌ای در ایران، در او ماه صفحه توییتر جان بولتون بینواریست و به او اجازه دسترسی به توییتر نداد. جست‌وجو در مواضع دو تا سه سال گذشته این افراد و نیز سخنان برایان هوک به روشنی نشان می‌دهد که امریکا برای آشوب در ایران برنامه‌ریزی کرده بود، برنامه‌ریزی‌ای که ابعاد مختلفی داشته است: «ما ابزار را تباط در اختیار ایرانیان قرار دادیم تا از میانبرها استفاده کنند و دیدیم که ده‌ها هزار ایرانی از این ابزار میانبر استفاده کردند. این برنامه را ما در طول ۱/۵ سال سازمان دادیم تا معترضان بتوانند ارتباط برقرار کنند، حتی در شرایطی که حکومت ایران اینترنت را قطع کرده بود. ما بسیار خشنودیم که در کنار مردم ایران ایستادیم.» امروز وزرات اطلاعات ایران اطلاعیه‌ای منتشر کرد و از دستگیری شش نفر از عناصر مرتبط با سیا خبر داد. سفیر امریکا در آلمان، رنچارد گرنل، در صفحه توییترش دست به کاری غیرمتعارف زد. در ۱۷ نوامبر به زبان فارسی توییت کرد که من با همکارانم در کاخ سفید تماس داشتم، ما از مردم ایران حمایت می‌کنیم و بر کمک به مردم ایران متمرکزیم. آنها از این رژیم رنج بسیاری کشیده‌اند. مجدداً دو روز بعد در ۱۹ نوامبر توییت کرد که: «ما صدای مردم ایران را می‌شنویم. ما مشکل را می‌دانیم اگر چه فعلاً نمی‌توانیم، جزئیات بیشتری از آنچه تا حالا انجام دادیم منتشر کنیم، اما بدانید که صدا و خواسته شما را واضح و شفاف می‌شنویم.» پمپئو وزیر خارجه هم دو روز بعد توییت فارسی کرد و خواست که: «برای ما فیلم و عکس و گزارش بفرستید.»

۱/۱–احمال تحریم بر فشار حداکثری بر اقتصاد ایران، ممانعت از فروش نفت، جلوگیری از فعالیت‌های بانکی و بیمه‌ای و ممانعت از خرید کالاهای اساسی همراه با تهدید.

۲/۱– سازماندهی گروه‌های سیاسی، با تأکید بر شکل‌های قومی و با استراتژی تجزیه طلبانه، بر گزار ی سمینارهای سالانه در واشنگتن، با حضور سازمان‌های سیاسی و نظامی تجزیه‌طلب.

۳/۱– سازماندهی جنگ تبلیغاتی روانی علیه جمهوری اسلامی ایران توسط رسانه‌های فارسی‌ امریکایی و گروه‌هایی که با بودجه وزارت خارجه امریکا اداره می‌شوند، مثل موسسه توانا.

۲–عربستان سعودی رقیب و دشمن آشکار منطقه‌ای ایران است. ناگامی‌های خود در سوریه، عراق، لبنان و یمن را از چشم ایران می‌بیند حتی حمله حوثی‌ها به تاسیسات نفتی آرامکو را به حساب ایران گذاشته است. عربستان از طریق کشورهای عربی منطقه کوشیده است جنگ سیاسی علیه ایران را سازمان دهد.

۱/۲– عربستان در طول دو سال گذشته، دست به ابتکار تأسیس تلویزیون فارسی و سایت‌های فارسی زد. تلویزیون ایران اینترنت‌نشال، در هفت روز آشوب در ایران به عنوان ستاد خبری، پشتیبانی و راهبری بی‌وقفه آشوب عمل کرد.

۲/۲– گروه‌های قومی که در منطقه خوزستان، سیستان و بلوچستان و کردستان فعالیت نظامی امنیتی می‌کنند، از سوی عربستان حمایت می‌شوند.

۳– برخی نمونه‌ها حاکی است که آشوب از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی شده و منتظر ساعت آغاز حرکت فراشگرد، حلقه نزدیک به ۱۰۳–امیر حشمت‌الاحمدی از احزاب فرس‌شگرد، حلقه نزدیک به

رضا پهلوی گفت: «بیش از دو سه سال است که شبکه‌سازی و شعار سازی و شارن‌نویسی صورت گرفته است. ما منتظر این روز بودیم. مردم نام رهبر شون را دارن صدا می‌کنن. این حرکت رهبر ملی و میدانی داره. چندین شهر از کنترل دولت خارج شدن. من که نمی‌تونم نام رهبران میدانی را به شما بگم! این حرکت ثمره استراتژی ۲۰ ساله شاهزاده است که به این نقطه رسیده.»
حداقل می‌توان گفت امیرحسین اعتمادی راوی آرزوهای بسر باد رفته سلطنت‌طلب‌هاست.

۲/۳– یکی دیگر از چهاره تبلیغاتی اپوزیسیون برانداز در گفت‌وگو بارادیومور ایران فردا، می‌گفت که دو پایگاه نظامی که بهتر است ایشان فعلاً استمان را نیاورند، به مردم پیوسته‌اند. این تفسیر می‌تواند نشانه یک برنامه از پیش تعیین شده بوده باشد، یعنی جهت آشوب به سوی پایگاه‌های نظامی و احتمالاً خلع سلاح بوده است. وزیر کشور در تبیین وقایع هفته گذشته، اشاره کرد: «در اغتشاشات اخیر بیش از ۵۰ مورد حمله به پایگاه و پاسگاه‌های امنیتی بوده که قطعاً در هر یک از این مراکز اسلحه و مهماتی وجود دارد. لذا نیروی انتظامی وظیفه قانونی دفاع از این مراکز را دارد.» بدیهی است که در هر جای دنیا وقتی عده‌ای به مرکز نظامی یورش می‌برند، جانشان را بر سر این قمار بلهانه خواهند گذاشت.

۳– وزیر سابق اطلاعات و جهانگردی بختیار که ۳۷ روز وزیر بود و البته موفق به حضور در وزارتخانه در تمام مدت وزارت نشده بود، در برنامه‌ای گفت: «خبرهای هیجان‌انگیزی شنیده‌ام. جوانان شیراز شهر را در اختیار گرفته‌اند. جوانان اهواز هم تا امروز بعد از ظهر اهواز را در اختیار خواهند گرفت.» احمد احرار، روزنامه‌نگار بسیار سابقه‌ا از «انقلابی تازه در ایران» سخن گفت و بلافاصله شرح تفصیلی دار زدن شیخ فضل‌الله نوری را در روز دوم فتح تهران توسط مجاهدین تفسیر کرد!

از سخن و تفسیر سبروس آموزگار و احمد احرار، می‌توان استنباط کرد که منتظر واقعه‌ای بوده‌اند. از واقعه‌ای تو را خبر خواهم کرد! احرار که ۹۰ سالگی را پشت سر گذاشته و به ضرورت از روی نوشته می‌خواند، در ماجرای کودتای نوزه دنبال نخست وزیری مظفر بقابت بود. کودتا شکست خورد و رؤیا بر باد رفت. مظفر بقایی که نخست وزیری نصیبش نشده بود، ۳۲سال پیش درگذشت. عمر آقایان بلند، اما آرزویشان در اقق محال است، حلقه اقبال ناممکن می‌چینانند…